

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

محمد عمر قریشی- کابل

۱۴ دسمبر ۲۰۲۱

تا کجا عقب می روئیم؟ ۱۴۰۰ سال و یا بیشتر از آن؟؟

(۲)

دوشنبه-۲۲ قوس ۱۴۰۰ - کابل:

۵- با از میان برداشتن (ازالۀ) اداره احتساب و ختم کار محتسبان در اول دهه ۵۰ میلادی قرن گذشته الی اوایل دهه ۹۰ همان قرن، خوشبختانه در کشور ما چیزی به نام آن اداره وجود نداشت و در نتیجه برخورد تحقیر آمیز محتسبان با باشندگان کشور به خصوص اهل معارف نیز به صورت رسمی و علنی خاتمه یافته بود.

نطفه های آغاز مجدد این روند شوم در جریان جنگ علیه روسها از جانب جهادپست های وابسته به پاکستان عمدتاً در عرض راه در مواقع راهبندان خود را به نمایش می گذاشت. آنهم به قسمی که نخست با سؤال های نامأنوسی در عرف کشور ما از قبیل خواندن ۶ کلمه، بسم الله بی سوره، سوره بی بسم الله، دعای قنوت و ... عمدتاً اهل معارف مورد پرسش قرار گرفته، افراد ناکام را به علاوه لت و کوب، خطر کشتن نیز تهدید می نمود. این گروه جهادپست ها که در آغاز بیشتر اعضای باند "گلبدین" و "ربانی" و بعد ها "مولوی نبی" بودند، به آنهم اکتفاء ننموده، زیر عنوان کنترل سنت ها، گاهی به خود حق می دادند تا موی زیر بغل و پائین ناف مردان را نیز کنترل نمایند.

این حرکات که در واقع همان نطفه گذاری تفتیش عقاید و ایجاد واحد های احتساب در آینده را بازگو می نمود، با تأسف از طرف تعداد زیادی از مردم و روشنفکران، به جای آن که یک حرکت ایدئولوژیک از جانب اسلام سیاسی تلقی گردد و همه دست به دست هم داده، علیه آن تبلیغ و روشنگری نمایند، تا جایی که بزرگان آن زمان اذعان می دارند، به نحوی هرکس خود محتسب خود شده، گذشته از آن که تراشیدن سنت ها را به دست سلمانی و یا تیغ "لندن بریج" سپردند، به نحوی اسلام پناهی نیز بین آنها رایج گردید. آنها یا نمی دانستند و یا مبارزه علیه آن روند ضد انسانی را در توان خود نمی دیدند تا به کسی حتا به "محمد" هم اجازه ندهند که برای موی پائین ناف آنها حد و حدود تعیین نماید.

با سقوط حاکمیت وابسته و منقاد نوکران روس که فقط برای مردن کورتاژ شده بود و آمدن جهادپست ها و به تعقیب آنها طالب در دور اول همه شاهدیم و هریک از ما به ده ها و صد ها خاطره تلخ و فراموش ناشدنی از آن دوران داریم که چگونه جهادپست ها و طالب بچه های خردسال که به گفته مردم "بوی شیر از دهن شان می آمد"، بزرگسالان به ویژه آنهایی را که ظاهر آراسته داشتند و می شد حدس زد که کتاب خوان و مکتب رفته اند، امتحان ۶ کلمه و اصول دین و یا صفات خدا گرفته در اخیر موی پائین ناف آنها را نیز دیده اند.

این که در آن شرایط که حیات انسان کمترین ارزشی برای جهادپرست های مسلح و یا طالب شلاق به دست و تفنگ بر شانه نداشت، مردم نمی توانستند و یا نمی خواستند به خاطر همچو مسأله ای حیات شان را خطر به بیندازند، شاید بتواند اندکی قابل تفاهم به نظر آید، اما این که بعد از سقوط حاکمیت داروتازیانه طالب و آمدن حاکمیت ارتشاء و فساد کرزی و احمدزی، فرصت کافی داشتیم تا در جریان ۲۰ سال آن عملکرد ها را چنان نقد و حلاجی نمائیم که دیگر نه تنها طالب بچه، بلکه اگر خود محمد هم زنده می شد به خود اجازه و حق نمی داد تا موی پائین ناف یک مرد را کنترل نماید، مسأله ایست که همه ما به خصوص قلم به داستان کشور در مورد کوتاهی نموده و همه در پیشگاه تاریخ به اندازه سواد و فهم مان مسؤولیت داریم.

هموطنان گرامی!

*- اگر در ۲۰ سال گذشته می گفتیم و می نوشتیم که موجودیت اداره احتساب و ابقای فردی به نام محتسب، در تقابل مستقیم با آزادی عقیده و وجدان و به نحوی نقش عقاید است که در منشور ملل متحد مذموم دانسته شده محکوم گردیده است،

* - اگر ما می نوشتیم که آراستن و لباس پوشیدن ظاهری افراد با ریش و یا بدون ریش، موی زیاد و یا سر تراشیده، کرتی و پتلون و یا پیراهن تنبان، با حجاب و یا بدون حجاب و ... مربوط خود شخص شده به هیچ کسی، نه به کاکا وماما، نه به همسایه و اهل گزر، نه به حکومت و نه هم به ملای مسجد و یا هم "محمد" ارتباط دارد، و به این گفتار و نوشتار آنقدر ادامه می دادیم که نه تنها آن نوشته ها از جانب مردم پذیرفته می شد، بلکه به وجدان اجتماعی آنها نیز تبدیل شده، حین ضرورت به مثابه نیروی مادی در دفاع از آزادیها و حقوق موکراتیک فردی و شخصی ما تبارز می یافت، امروز در قرن ۲۱، یعنی ۱۴ قرن بعد از حملات خونبار اولی لشکریان اسلام، نه اداره احتساب به وجود می آمد و نه هم کسی بر بالای سرک از ما ۶ کلمه و اراجیف دیگر را پرسیان می نمود.

هموطنان گرامی!

ایجاد اداره احتساب با در نظر داشت شرایط اولی ایجاد آنها، بدان معناست که طالب و نظام ملاسالار از آن طریق می خواهند به مردم افغانستان غیر مستقیم بفهمانند که آنها یک کشور غیر مسلمان را فتح و می خواهند مردم آن را از نو مسلمان بسازند.

به نظر من چنین حرکت و سیاستی بیشتر از آن که برای من لائیک یک اهانت باشد، برای تمام مسلمانان اهانت و توهین آشکار می باشد.

هموطنان گرامی!

هرگاه در مقابل چنین تصامیمی سکوت نمائیم و یا بی توجه از کنار آن رد شویم، می باید این را هم بپذیریم که فردا پس فردا باز هم محتسبان نه تنها طول ریش ما را اندازه خواهند گرفت، بلکه موی پائین ناف ما را نیز کنترل خواهند نمود. این را باید بدانیم که چنین واپسگرایی هائی، فقط تا زمانی می تواند ادامه یابد، که ما دست زیر الاشه نشسته، علیه آن اقدامی ننمائیم. پس بیانید از همین حالا، مبارزه علیه ایجاد اداره احتساب را به یکی از محراقهای مبارزاتی ما مبدل نموده، به طالب و نظام ملاسالار اجازه ندهیم، فرهنگ ۱۴۰۰ قبل را بر ما تطبیق بدارند.

مبارزه علیه امپریالیسم، جزء لاینفک مبارزه علیه ارتجاع در کل

و ارتجاع هار مذهبی- طالبی به صورت خاص می باشد

تشکل و تسلیح نیاز و خواست زمان ما!